

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

اشرف دهقانی
فرستنده: بابک آزاد
۳۰ می ۲۰۱۳

انتصابات حکومتی و انتخاب واقعی مردم ما !

در آستانه مضحکه انتخاباتی دیگری در رژیم سراسر ننگ و نفرت جمهوری اسلامی هستیم. رژیمی که در طول ۳۴ سال سلطه ضد مردمی خود هرگز برای رأی و نظر مردم ارزشی قائل نبوده و هدفش از به راه انداختن به اصطلاح انتخابات تنها فریب توده ها و مشروعیت دادن به حاکمیت ننگین خود می باشد. این رژیم تا کنون برای کشاندن مردم به پای صندوق های رأی به هر روشی از تهدید و ارعاب گرفته تا دست زدن به تاکتیک های مزورانه جهت قالب کردن انتصابات خود به عنوان انتخابات به جامعه و به قول خودشان برای "مهندسی" انتخابات، مبادرت کرده است. همچنین شاهد بودیم که پس از خیزش قهرمانانه مردم مبارز ایران در سال ۱۳۸۸ و به شکست کشیده شدن مضحکه انتخاباتی آن سال - که برای واقعی جلوه دادنش مقادیر معتابیهی "مهندسی" های به اصطلاح مبتکرانه به کار برده بودند- این آوای ارتجاعی با برجستگی بیشتری طنین انداز شد که حاکمیت جمهوری اسلامی گویا حاکمیت خدا بر زمین می باشد و لذا اصلاً نیازی به انتخابات ندارد، موضوعی که امروز هم از زبان بعضی از مرتجعین دم و دستگاه رژیم شنیده می شود. با مروری به مضحکه های انتخاباتی این رژیم در طول حیاتش می بینیم صرف نظر از یک دوره در اوایل روی کار آمدن جمهوری اسلامی که جریانات سیاسی سازشکار و اپورتونیست به کمک رژیم آمده و با بازی در بساط جمهوری اسلامی سعی کردند انتصابات رژیم را برای مردم انتخابات واقعی جا بزنند، سالیان متمادی از میان مردم ایران عمدتاً عده ای از روی ترس و اجبار و یا مثلاً برای مهر دار کردن شناسنامه اقدام به دادن رأی و شرکت در انتخابات می نمودند. اما در سال ۱۳۷۶ کارگزاران رژیم که کاملاً متوجه ارتقای روحیه انقلابی در میان توده های مبارز ایران شده بودند و خیزش های انقلابی آنان را پیش بینی می کردند در جهت مقابله با این امر، پروژه خاتمی و اصلاحات فریبکارانه وی را علم کردند؛ و بر این اساس در آن سال رژیم با توسل به ریا و تزویر موفق به کشیدن تعداد بیشتری به پای صندوق های رأی گردید. ولی دیری نگذشت که با خیزش دانشجویی- مردمی با شکوه و قهرمانانه ۱۸ تیر [سرطان] ۱۳۷۸ که جواب عملی توده های رنج دیده و آزادی خواه ایران به خاتمی فریب کار بود، همان تعداد رأی دهنده نیز متوجه شدند که گول چه تبلیغاتی را خورده بودند. با این حال از زمان خاتمی به این سو رژیم علاوه بر کاربرد روش های معمول در همه مضحکه های انتخاباتی خود، جهت کشاندن حداقل قشری از خرده بورژواهای مرفه یا نسبتاً مرفه به طرف صندوق های رأی، به تاکتیک های فریبکارانه زیادی متوسل شده تا جایی که در به اصطلاح انتخابات سال ۱۳۸۸ به منظور فریب مردم و واقعی جلوه دادن آن "انتخابات"، حتی برای کاندیداهای انتصابی رژیم مناظره تلویزیونی هم ترتیب دادند.

امروز اما مضحکه انتخاباتی جمهوری اسلامی در شرایطی برگزار می شود که با توجه به رسوائی انتخابات به قول خودشان مهندسی شده سال ۱۳۸۸ که به بستری برای رشد مبارزات قهرمانانه و تا پای جان کارگران و زحمتکشان و نیروهای آزادیخواه جامعه با رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی تبدیل شد، این رژیم حتی قادر به کشاندن فریب خوردگان سابق هم به پای صندوق های رأی نیست و به همین دلیل هم تنور انتخابات ۲۴ خرداد کاملاً سرد و یخ زده است. رسوائی "انتخابات" پیش رو تا حدی ست که برخی از مرتجعین قلم به دست ارتجاع که تمام دغدغه و منافع شان چگونگی حفظ این نظام استثمارگر می باشد با بیم از وضعیت موجود و پتانسیل اعتراضی توده ها به سردمداران رژیم "نصیحت" می کنند که "در حال حاضر انجام انتخابات در ایران با این حد از تنش و ستیزهای سیاسی معنا ندارد" و به جای یک انتخابات "رقابتی" بهتر است که سردمداران "حکومت" با یکدیگر "تفاهم فرا انتخاباتی" کنند. و "با توجه به آن که بعد از انتخابات ۸۸ درست یا غلط اساس انتخابات در ذهن عده ای مورد سؤال قرار گرفت، اکنون باید اساس بازسازی انتخابات توجه حکومت را جلب کند". (عباس عبدی در گفت و گو با سایت فرارو - ۲۲ اردیبهشت)

در چنین شرایطی است که دستگاه های تبلیغاتی جمهوری اسلامی وسیعاً به راه افتاده اند تا به توسل به هر حيله و توطئه ای از جمله با برجسته کردن اختلافات درونی رژیم و یا سرمایه گذاری بر روی نفرت مردم از سردمداران جمهوری اسلامی تنور انتخابات یا در واقع انتصابات یخ زده اش را گرم سازند. به خصوص که خامنه ای از پیش متذکر شده و قول داده است که تعدادی به مراتب بیشتر از به اصطلاح انتخابات ۸۸ در آن شرکت خواهند کرد.

واقعیت این است که با شدت گیری تضاد عمیق کارگران و زحمتکشان و دیگر توده های دربند ایران با رژیم حاکم و انعکاس این واقعیت در میان بالائی ها، حدت تضادهای فیمابین جناح های درونی رژیم به جایی رسیده است که آن ها آشکارا به یکدیگر دندان نشان می دهند. شدت تضاد بین بالائی ها به حدی است که ولی فقیه به مثابه رأس دیکتاتوری حاکم (دیکتاتوری طبقه سرمایه دار وابسته ایران) حتی به بخش هائی از "خودی" های رژیم هم اجازه کاندیدا شدن در انتخابات را نمی دهد. بر اساس چنین واقعیتی دستگاه های تبلیغاتی ضد خلقی از یک طرف می کوشند دعوای جناح های رژیم (بر سر منافع خویش و برای پیاده کردن طرح های خود جهت به انقیاد کشیدن هر چه بیشتر توده های تحت ستم ایران) را از نوع مبارزات انتخاباتی در غرب جلوه دهند و به این ترتیب قشرهائی از آحاد جامعه را به پای صندوق های رأی بکشانند و از طرف دیگر با استفاده از نفرت مردم از سردمداران رژیم به این فریبکاری متوسل می شوند که در صورت عدم شرکت مردم در انتخابات، فلان فرد منفور قدرت را به دست خواهد گرفت و بهتر است آن ها برای کوتاه کردن دست آن مهره "بدتر" حکومت، به مهره "بد" رأی بدهند. با توسل به چنین حيله هائی مبلغین رژیم سعی می کنند مضحکه انتخابات خود را برای مردم واقعی جلوه داده و این طور وانمود کنند که گویا به راستی این یا آن مرتجع جنایتکار با رأی مردم روی کار می آیند.

با عطف توجه به تجربه همه "انتخابات" هائی که در طول حیات طولانی جمهوری اسلامی برگزار شده، در شرایط فقدان آزادی بیان و اجتماعات، و در شرایطی که همه کاندیدا ها (که البته همگی هم مرد هستند چون زن ها از حق انتخاب شدن به عنوان رئیس جمهور محروم اند) باید از فیلتر نظارت استصوابی شورای نگهبان عبور کنند و تنها کسانی هم امکان عبور از این فیلتر را پیدا می کنند که به اسلام، قانون اساسی نظام و ولایت فقیه باور داشته و التزام عملی خود را به آن اعلام و در عمل نشان داده باشند، واضح است که نیازی به تأکید روی این امر نیست که آن چه به عنوان انتخابات در ایران از آن یاد می شود کمترین تشابهی به انتخاباتی ندارد که در کشورهای غربی برگزار می شود. بگذریم از این که انتخابات در غرب هم اگر چه با سیستمی دیگر و در اوضاع و احوال متفاوت از ایران صورت می گیرد ولی در هر حال پاسخ گوی نیازهای واقعی کارگران و مردم کشورهای غربی نیست. چرا که در آن انتخابات هم

مردم تنها اجازه می‌یابند هر چند سال یک بار به این یا آن نماینده از طبقه استعمارگر حاکم رأی دهند و آن‌ها نیز جز به کار اعمال ستم و استثمار در جامعه و تداوم سیاست‌های امپریالیستی در ارتباط با کشورهای تحت سلطه نمی‌پردازند.

آن‌چه واضح است این است که در ایران تحت سلطه جمهوری اسلامی به گونه‌ای که خود سردمداران رژیم هم به آن اعتراف می‌کنند انتخابات، "مهندسی" شده است. نه فقط کارزار تبلیغاتی "انتخابات"، پیشاپیش بر اساس نقشه تعیین شده توسط رهبری و تأیید ولی فقیه پیش می‌رود، بلکه این امر که چه کسی باید به نام رأی مردم، از صندوق‌ها بیرون کشیده شود از قبل توسط رأس دیکتاتوری حاکم (ولی فقیه) معلوم و مشخص می‌گردد. بر این مبناست که هیچ عاملی، نه تعداد شرکت‌کنندگان و نه رأی آن‌ها کمترین تأثیری در این که چه کسی به ریاست جمهوری برگزیده می‌شود، ندارد.

کار رسوائی این مضحکه انتخاباتی به جایی کشیده شده که گاه دست اندرکاران جنایتکار رژیم خود با وقاحت به ماهیت آن اعتراف می‌کنند. مثلاً نماینده خامنه‌ای در سپاه پاسداران رسماً و با بی‌شرمی تمام در مورد نمایش انتخاباتی پیشارو مطرح می‌کند که وظیفه سپاه "مهندسی" آن می‌باشد؛ و یا امام جمعه مرتجع مشهد، احمد علم‌الهدی، مدعی می‌شود که :

"تعداد آرای یک رئیس‌جمهور چه ۲۴ میلیون و چه ۲۴۰ میلیون؛ در وهله نخست صفر است و آن‌چه که به این صفرها وزن می‌بخشد، تنفیذ مقام ولایت است." در ضمن جالب است بدانیم که این سخن دارای زمینه‌ای است که خود به گونه دیگر "مهندسی" شدن انتخابات در ایران تحت سلطه جمهوری اسلامی را آشکار می‌سازد. موضوع از این قرار است که در انتخابات قبلی که رژیم با هزاران تقلب "ولی فقیه"، احمدی‌نژاد را برنده آن اعلام نمود، وزارت کشور جمهوری اسلامی برای مشروعیت مردمی بخشیدن به رژیم و انتخاباتی که خود از اساس فاقد مشروعیت بود به دروغ تبلیغ می‌کرد که ۴۰ میلیون نفر در انتخابات شرکت کرده‌اند که از این تعداد ۲۴ میلیون نفر به احمدی‌نژاد، که خامنه‌ای رسماً می‌گفت به افکار وی نزدیک‌تر است، رأی داده‌اند. امروز امام جمعه مشهد همین ۲۴ میلیون را که آن روز جناح حاکم به آن "پز" می‌داد و آن را بر سر مخالفان خود می‌کوبید را فاقد ارزش و "صفر" اعلام می‌کند. تا ضمن این که روی احمدی‌نژاد را کم کند که هر روز خود را منتخب مردم و صاحب ۲۴ میلیون رأی جلوه می‌دهد به بقیه کاندیداها هم حالی کند که بدون حمایت ولی فقیه هیچ کاره‌اند. واقعیتی که البته خود آن‌ها بهتر از امام جمعه مشهد بر آن واقف‌اند. البته به این نکته هم باید توجه داشت که این سخنان در عین حال که اعتراف دیگری است مبنی بر این که رأی و نظر مردم برای این رژیم پشیزی ارزش ندارد، در شرایطی مطرح می‌شود که سردمداران رژیم دریافته‌اند که حتی قشر مرفه خرده‌بورژواهای فریب‌خورده قبلی را هم به سختی می‌توانند به پای صندوق‌های رأی بکشانند.

واقعیت این است که تحت سلطه جمهوری اسلامی انتخابی در کار نیست و هدف رژیم از برگزاری مضحکه‌های انتخاباتی اش مشروعیت دادن به حکومت ضد مردمی خویش از طریق کشاندن مردم به پای صندوق‌های رأی و نشان دادن تعداد رأی‌دهندگان به مثابه مؤیدین انتخابات مهندسی شده خود می‌باشد. این واقعیت را خامنه‌ای با اصطلاحات زیر بیان کرده است: "حضور جهادی" برای "حماسه آفرینی" آن‌هم در "سال حماسه سیاسی و اقتصادی"! با توجه به چنین واقعیاتی مسلم است که تحریم پاسخ قطعی به انتصابات است که طی آن‌هم به شعور مردم توهین می‌شود و هم اراده آن‌ها با وقاحت تمام لگد مال قدرت حاکم می‌شود. به واقع، بهترین روش جهت مقابله با سیستم مضحک انتخاباتی رژیم، عدم شرکت در آن می‌باشد که خود به مثابه تلاشی برای نشان دادن هر چه بیشتر عدم مشروعیت دیکتاتوری حاکم به همگان می‌باشد.

بی‌شک در فاصله‌ای که به برگزاری مضحکه انتخاباتی رژیم مانده دستگاه تبلیغاتی جمهوری اسلامی می‌کوشد به هر طریقی که می‌تواند تنور این بالماسکه را گرم کند. در این میان یکی از موضوعاتی که آن‌ها روی آن دست می‌گذارند، جنبه بین‌المللی دادن به این انتخابات می‌باشد. آن‌ها با گفتن این که "اتاق‌های فکر جهانی و دشمنان ایران" این انتخابات را با دقت "رصد" می‌کنند، در تلاش‌اند تا در شرایط تحریم‌ها احساسات ملی مردم را تحریک کنند و از این

طریق رونقی به کار خود بدهند. از سوی دیگر با تکیه بر فشار هائی که قدرت های جهانی با تحریم های خود به اقتصاد کشور و قبل از هر چیز بر دوش توده های رنج دیده ایران تحمیل کرده اند، دستگاه تبلیغاتی رژیم می کوشد چنین جلوه دهد که مثلاً اگر فلان مهره شناخته شده به قدرت برسد می تواند در نقش "ناجی"، رابطه با این قدرت ها را اصلاح کرده و بار تحریم ها و فشار ها را کم کند. با ترویج چنین ریاکاری هائی همچنین تلاش می شود با برجسته کردن اختلافات دارو دسته احمدی نژاد با دارو دسته خامنه ای و انداختن بار همه مشکلات و نابسامانی های اقتصادی و سیاسی موجود به دوش جناح احمدی نژاد، هم رهبر را بی تقصیر و بی گناه جا بزنند و هم چنین جلوه دهند که اگر کاندیدای مورد نظر رهبر به قدرت برسد دو باره رژیم "یک دست" شده و دولت قادر به رتق و فتق امور می گردد. اما واقعیت چنین نیست و این تصویری فریبکارانه از اموری است که در جامعه ایران جریان دارد.

همه واقعیات بیان گر آنند که چگونگی تنظیم روابط خارجی و پیشبرد مسایل در این زمینه هم کاملاً در دست خامنه ای و در اختیار وی- به مثابه رأس دیکتاتوری جمهوری اسلامی- قرار دارد. بر این اساس مصیبت های بیکرانی که کارگران و زحمتکشان و دیگر توده های تحت ستم ایران از روابط بین جمهوری اسلامی با کشورهای غربی متحمل می شوند، دقیقاً از کانال "رهبر" رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی می گذرد. بنابراین روی کار آمدن این یا آن مهره تغییری در وضعیت کنونی ایجاد نخواهد کرد. به عبارت دیگر هر کسی با تأیید رهبر جای احمدی نژاد بنشیند الزاماً باید همان خطی را پیش ببرد که رهبر خواهان آن است و منافع جمهوری اسلامی و اربابان امپریالیستش می طلبد. در مورد نابسامانی های موجود هم روشن است که این وضع یعنی رکود توأم با تورم لجام گسیخته و واردات بی رویه و پائین بودن صادرات و رشد روز افزون بیکاری اساساً حاصل بحران نظام سرمایه داری حاکم و سرشکن شدن بار بحران های امپریالیستی بر سر اقتصاد کشور به دلیل وابستگی این اقتصاد و رژیم حاکم به امپریالیست ها می باشد. بنابراین با حفظ سیستم موجود هر کس رئیس جمهور شود مجبور به تداوم همین وابستگی و حرکت در چهارچوب از پیش تعیین شده است. بنابراین تجدید آرایش نظام ظالمانه موجود از طریق تغییر رئیس جمهور به هیچ وجه فضای مختلق موجود و نابسامانی ها و مناسبات اقتصادی جاری را تغییر نمی دهد. نباید فراموش کرد که "رهبر" هنوز هیچ خبری نشده به نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری هشدار می دهد که "شعاری ندهند که خارج از اختیارات رئیس جمهوری باشد" که معنی آن جز یادآوری و تأکید بر نقش ولی فقیه در تنظیم همه امور مربوط به جمهوری اسلامی نیست. بنابراین تا ولی فقیه با سلاح "حکم حکومتی" در رأس رژیم جمهوری اسلامی نشسته و سیر کار ها را تعیین می کند، یعنی تا زمانی که در بر همین پاشنه می چرخد که تا کنون چرخیده انتظار هیچ اصلاحی به نفع مردم وجود ندارد. به همین دلیل هم هست که خود زندگی با هزاران زبان به کارگران و توده های ستمدیده ما ندا می دهد که راه رسیدن آن ها به آزادی از مسیر سرنگونی جمهوری اسلامی و قطع قطعی هرگونه وابستگی به امپریالیست ها می گذرد. آن هائی که جز این می گویند، آن هائی که این طور جلوه می دهند که گویا با تغییراتی در این رژیم، فرجی برای ستمدیدگان ایجاد می شود، خاک به چشم مردم ما می پاشند. انتخاب واقعی مردم ما نابودی جمهوری اسلامی با هر جناح و دسته اش می باشد و جز این هیچ انتخابی در مقابل مردم ما قرار ندارد

به نقل از: پیام فدائی، ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۱۶۷، اردیبهشت ماه [ثور] ۱۳۹۲